



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۰۷۱۹-۲۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵-۲۲
۸۸۸۱۴۳۳-۲۲
تلفن: ۶۶۱۸۳۱۳۰-۵
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶-۲۲
www.sharghnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۳ اذان مغرب ۲۰:۰۲ اذان صبح فردا ۴:۵۲ طلوع آفتاب ۶:۲۳

نقد فرهنگ

عکاسی تنها هنر نیست



روبرت صافاریان

■ دانشجوی سینما که بودیم و تازه شروع کرده بودیم به گرفتن عکس‌های هنری، وقتی عکس‌هایمان را به دور و بری‌ها نشان می‌دادیم، یکی، دو سال اظهارنظر تکراری می‌شنیدیم که آب پاکسی روی همه الهام هنری‌مان می‌ریخت. ما دوست داشتیم راجع به کمپوزسیون عکس، نور آن و بک‌گراند و غیره حرف‌هایی بشنویم، اما واکنش‌ها بیشتر در این مایه‌ها بود:
اگر عکس از مردم کوچه و خیابان بود و به‌خصوص اگر یک نفر در کانون عکس بود، می‌پرسیدند «این کیه؟» انگار عکس گرفتن از آدمی که اصلاً نمی‌شناسی‌اش معنایی ندارد.
اما اگر عکس طبیعت یا منظره گرفته بودی، اولین اظهارنظر این بود که «عجب جای قشنگیه!» انگار نه انگار این وسط تو هم کاری کردی!
و اظهار نظر سوم: «عجب دوربین خوبی داری؟ چند خریدی؟» باز انگار نه انگار که عکاسی در کار است و گویی نقش تو فووش این بوده که کار کردن با این دستگاه را بلد بوده‌ای.

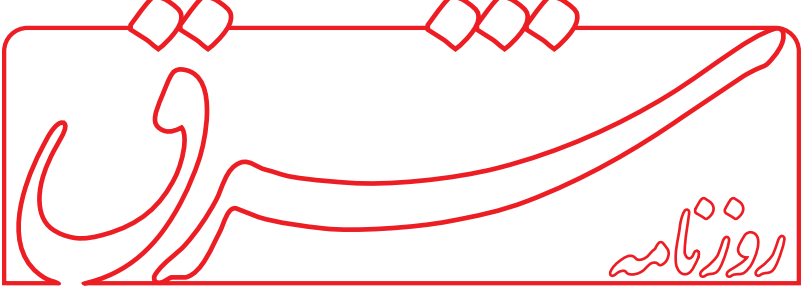
اما این پرسش‌ها که با تصور ما از عکس هنری منافات داشت، مبتنی بر توهم و نادانی پرسش‌کنندگان نبود. در واقع فونکسیون عکس به عنوان اثر هنری، چیز نسبتاً جدیدی است. عکس و عکاسی فونکسیون‌های دیگری دارند که همان‌قدر مهم و واقعی‌اند که عکاسی برای خلق اثر هنری. مثلاً ثبت لحظات زندگی خانوادگی یا ثبت یک منظره طبیعی زیبا در یک کلام، نه امری خلاقه که ثبت و ضبط آنچه هست، و اینکه کتابی در اختیار ماست که عکاسی را نه تنها به عنوان هنر، بلکه از زاویه‌های گوناگون، به عنوان پدیده‌ای علمی برای ثبت رویدادهای علمی، وسیله‌ای برای مردم‌نگاری و مستندسازی، به عنوان وسیله‌ای در زندگی روزمره مردم از منظر جامعه‌شناسی نیز مورد توجه قرار داده است. نام کتاب هست «عکاسی: درآمدی انتقادی»، گردآورده لیز ولز، به ترجمه سولماز ختایی‌لو و دیگران (انتشارات مینوی خرد، چاپ اول، ۱۳۹۰).

در مقدمه کتاب گفته شده است که کتاب درباره عکس گرفتن نیست، بلکه درباره شیوه‌های اندیشیدن ما درباره عکاسی است. گفته می‌شود «در این کتاب عکاسی را مجموعه‌ای از کردوکارهایی می‌انگاریم که در بافت‌های خاص تحقق پیدا می‌کند.» فصل سوم کتاب به آن پرسشی می‌پردازد که ابتدای این نوشته مطرح کردیم: عکاسی به‌عنوان وسیله‌ای برای ثبت زندگی شخصی، از زمانی که مردم برای گرفتن عکس‌های خانوادگی بهترین لباس‌هایشان را می‌پوشیدند و به آتلیه عکاسی می‌رفتند و بعد عکس بزرگ‌شده خانواده را به دیوار خانه‌شان می‌زدند، تا دورانی که دوربین‌های کدک و دوربین‌های مشابه این امکان را فراهم آوردند تا آدم‌های معمولی عکاس زندگی خصوصی خود باشند و محصول کارشان را در البوم‌های خانوادگی به نمایش بگذارند تا امروز که با پیدایش عکاسی دیجیتال عکس گرفتن مثل آب خوردن شده و نمایش عکس روی ماینتور و موبایل و شبکه‌های اجتماعی دارد به تدریج چاپ عکس را منسوخ می‌کند، عکس خانوادگی گرفتن یکی از کاربردهای اصلی عکاسی بوده است. جایگاه این عکس‌ها در اوقات فراغت خانواده مدرن و ارزش آنها به عنوان سند زندگی اجتماعی دوران‌های گوناگون و تحولات عکاسی زندگی خصوصی همراه با تحولات تکنولوژی، مباحثی هستند که مورد توجه نظریه‌پردازان عکاسی قرار گرفته‌اند و اخلاصای از دیدگاه‌های آنها در کتاب مورد بحث ما تشریح شده است.

عکاسی مطبوعاتی، عکاسی مد، عکاسی تبلیغاتی، هریک از اینها مسایل و مנהای خاص خود را دارند که در کتاب «عکاسی: درآمدی انتقادی» مورد بحث قرار گرفته است.

این نوشته معرفی حتی مختصر کتاب هم نیست. کتابی پر مایه است که هر علاقه‌مند عکاسی و نظریه رسانه‌های مدرن باید بخواند. اما نفس نگرش کتاب و فصل‌بندی آن توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که چه بسا پدیده‌های بسیار پیچیده و چند بعدی را که با رشته‌های بسیار با محیط اجتماعی و تحولات تکنولوژی در ارتباطند، غالباً به پدیده‌های صرفاً زیبایی‌شناختی (استتیک) تقلیل می‌دهیم و صرفاً از منظر فرمالیستی به نقد آنها می‌نشینیم. این مساله نه تنها درباره عکاسی، که درباره سینما نیز صدق می‌کند. بررسی عکاسی، سینما و هنرهای دیگر صرفاً به عنوان پدیده‌ای استتیک مشروعیّت خود را دارد، اما محدود شدن به این دیدگاه در بسیاری از موارد تقلیل‌گرایانه است و مانع از مشاهده آن پدیده و محصولات آن از همه زاویه‌ها می‌شود.

شرق



شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۳۲ ۲۱ آوریل ۲۰۱۲ سال نهم شماره پیاپی ۱۵۰۹ شماره ۵۸۵ دوره جدید ۱۲ صفحه + ۲۲ صفحه ضمیمه

برداشت آخر

اسامی فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره کن ۲۰۱۲ اعلام شد

جشنواره‌ای کاملاً اروپایی

ساسان کلفر

دانیلز (روزنامه‌فروش) و فیلمساز فقید فرانسوی، کلود میلر (ترز دسکوپرو) –که فیلمش پایان‌دهنده جشنواره امسال است– اشاره کرد. در میان ۲۳ فیلم بخش مسابقه جشنواره کن همچنین نام فیلم‌های «در مه» به کارگردانی سرگئی لوزنیتسا، «شکار» ساخته‌توماس وینتربرگ و «گل» جف نیکولز به چشم می‌خورد.

ریاست بخش مسابقه این دوره را نانی مورتی، فیلمساز ایتالیایی سازنده «اتاق پسر» و «ها کی پاک داریم» بر عهده دارد. در بخش «نگاه‌خاص» نیز که ریاست

هیات داوران آن برعهده تیم راث، بازیگر آمریکایی است، فیلم‌هایی مانند «هفت روز در هاوناس» که هفت کارگردان اسپانیایی‌زبان از جمله بنیتسیو دل تورو و «گل» در جشنواره حضور دارند. «سه ماه» ساخته کاترین کورسینی و «ناش‌آموز» دارژان آمبریاف حضور دارند.



بخش سینه فونداسیون و مشترک ژاپن و فرانسه است، با بازی ریو کاسه، دیدن، رین تاکاناشی و تاداشی اوکونو؛ فیلمی ژاپنی‌زبان که همچنان که از نامش برمی‌آید، به مضمون عشق می‌پردازد و گویا این بار فیلمساز به عنوان یک مساله بین‌نسلی به این موضوع نگاه کرده است و تقابل نسل‌ها را نیز در نظر آورده است. از دیگر فیلمسازان مطرح شرکت‌کننده در جشنواره کن امسال می‌توان به ژاک اودیار (با فیلم «زنگار و استخوان»، میشائیل هانکه (عشق)، کن لوچ (سهم فرشتگان)، کریستین مونگیو (پشت تپه‌ها)، لئو کاراکس (موتورهای مقدس)، وس اندرسن (پادشاهی طلوع ماه)، اندرو دومینیک (آنها را به آرامی کشتن)، دیوید کراننبرگ (کامپوپولیس)، لی

چکش

تمام ۳۲ اثر ایرانی‌ها در شب دوم «کریستیز» فروش رفت

علی شیرازی، پدیده حراج

شرق: شب دوم دوازدهمین حراج کریستیزدوبی برای هنر ایران خاطره‌انگیز بود؛ همه آثار هنرمندان ایران به فروش رسید، زنان نقاش جوان همچون بیتا و کیلی و طاهره صمدی طاری رکوردهای خود را شکستند و اما علی شیرازی با فروش اثرش به میزان پنج برابر قیمت اولیه، پدیده شب دوم حراج لقب گرفت و توانست چهارمین رکورد فروش این شب را به نام خود و هنر ایران ثبت کند. در عین حال فرهاد مشیری حایز رتبه دوم شب ایرانی کریستیز شد

شاهگاه چهارشنبه ۳۰ فروردین دومین شب دوازدهمین حراج کریستیز هنر مدرن و معاصر عرب، ایران و ترکیه در حالی در سالن گوگودلین هتل امارات تاووز دوی برگزار شد که قریب به ۴۰۰ مجموعه‌دار، خریدار و کارشناس هنری بین‌المللی که از نزدیک شاهد این رقابت بودند آن را «شب ایرانی» نام نهادند. در این شب با وجود همه مشکلاتی که بازار هنر ایران را آن دست به گریبان است، به دلیل پایین بودن قیمت‌های اولیه

و اشتیاق نسل نوین مجموعه‌داران کوچک منطقه به خرید آثار ایرانی، فروش آثار هنری ایرانیان با اقبال بی‌نظیری روبه‌رو شد و همه ۳۲ اثر ایرانی که در این شب، روی میز حراج رفت به فروش رسید. برخی از این آثار با فاصله بسیار از قیمت برآوردهای اولیه به این مهم دست یافتند که در این میان تابلوی نقاشیخط علی شیرازی سرآمد دیگر آثار از آب درآمد؛ زیرا اثرش پنج برابر قیمت اولیه به فروش رسید. تابلو آبی‌رنگ شیرازی ۱۲ هزار دلار با برآورد اولیه با قیمت ۶۰ هزار دلار فروخته شد و در کنار فرید بلکهای، هنرمند ۷۸ساله مراکشی و تیمو ناصری، هنرمند ایرانی– آلمانی حایز رکورد چهارم فروش این شب شد.

فرهاد مشیری هنرمند معاصر با فروش ۷۴ هزار دلاری تابلو کوزه آبی در کنار پل گریگوسیان هنرمند فقید لبنانی رکورد دوم این شب را به دست آورد در حالی که فاتح مدرس، هنرمند فقید سوریه و صفوان داهول هنرمند ۵۱ساله سوریه‌ای با فروش ۸۰ هزار دلاری به صورت مشترک رتبه نخست این شب را از آن خود کردند.

زنان نقاش ایران در شب دوم حراج کریستیز

حمیدرضا صدر با «نیمکت داغ…» در نمایشگاه کتاب

شرق: کتاب «نیمکت داغ: از حشمت مهاجرانی تا الکس فرگوسن و ژوزه مورینیو» نوشته حمیدرضا صدر توسط نشر چشمه در نمایشگاه‌بین‌المللی کتاب عرضه خواهد شد. این کتاب در ۳۱ فصل به توصیف زندگی و رویکرد حرفه‌ای ۳۴ مربی تاریخ‌ساز فوتبال از جمله حشمت مهاجرانی، سپ هربرگر، آلف رمزی، والری لوپانوفسکی، ماریو زاگالو، رینوس میشل، کارلوس بیلاردو، الکس فرگوسن، آریگو ساچی، فابیو کاپالو، گاس هیدینگ، مارچلو لیپی، آرسن ونگر، اوتمار هیتسفلد، اتو رهگل، ژوزه مورینیو، پپ گواردیولا و… می‌پردازد.

فلک الافلاکی

نافرمانی

در حوزه امپراتوری رسانه‌ها

بهمن فروتن

Bahmanforoutan.blogfa.com



■ گونتر گراس شعری گفته است با تیترا «آنچه باید گفته شود». بخشی از ترجمه این شعر را برای شما می‌نویسیم.
«اسرائیل اتمی برای صلح جهانی، که خود صلحی است شکننده، خطرناک است. امروز باید گفت آنچه را که فردا گفتنش دیر است/ و چون ما– آلمانی‌ها به حد کافی بار بر دوش داریم./ می‌توانیم وسیله‌ای را تحویل دهیم که عواقب آن قابل پیش‌بینی است/ و نباید با این عذر و بهانه در این گناه سهیم شویم، امن دیگر ساکت نخواهم ماند.»

روزنامه‌های زیادی با سخنان تند، به گونتر گراس برنده جایزه نوبل در ادبیات حمله کردند. روزنامه اتریشی «استاندارد» نوشت «می‌توان به برخی سیاست‌های اسرائیلی انتقاد کرد اما یک آلمانی، آن هم کسی که عضوی از رژیم مسبب هولوکاست بوده، بهتر است متانت به خرج بدهد و محتاط‌تر درباره رژیمی سخته بگوید که یهودیان برای خودشان ایجاد کرده‌اند.» روزنامه ایتالیایی «کوریرا دالاسرا» نیز نوشت «بهتر است کسی که به اس اس تعلق داشته محتاطانه دآوری کند.» روزنامه هلندی «فولکس بلات» هم نوشت «آیا او صلاحیت این را دارد که چنین شعری برساند؟» اشتفان زایبرت، سخنگوی دولت آلمان در واکنش به شعر گراس گفت «در آلمان آزادی هنر وجود دارد و خوشبختانه این آزادی هم برای دولت وجود دارد که مجبور نباشد درباره هر خلاقیت هنری نظر بدهد.» جواد شمقدری، رییس سازمان سینمایی ایران تنها مقام ایرانی بود که در نامه‌ای از شعر گونترگراس تجلیل کرد. او در این نامه نوشت: «… بیان این حقیقت می‌تواند وجدان‌های خفته و سکوت‌زده غربی را بیدار کند. چه نویسندگان و هنرمندانی که به تنه‌های بیش از ده‌ها لشکر، مانع فاجعه‌های انسانی شده‌اند.» اسرائیل چهار روز بعد از انتشار شعر «آنچه باید گفته شود» اعلام کرد که گونترگراس دیگر اجازه ورودبه اسرائیل را نخواهد داشت. الی بیبشای، وزیر رزیر اسرائیل گفت: «گونتر گراس قصد گسترش ایده‌هایی را دارد که بیشتر با پوشیدن یونیفرم نازی‌ها از آنها به‌طور علنی حمایت کرده است.» گونتر گراس یک روز بعد از انتشار شعرش با شبکه تلویزیونی ZDF مصاحبه کرد و گفت: «مواض خود علیه دولت کنونی اسرائیل را به هیچ وجه پس نمی‌گیرد. او ادامه می‌دهد. امیدوار بودم با شعر من بحثی درگیرد. اما آنچه می‌بینیم تقریباً یک کارزار هدایت‌شده است.» گونتر گراس به یک کارزار هدایت‌شده اشاره می‌کند. حمله رسانه‌ها را به گونتر گراس که تعدادشان هم در کشورهای اروپایی بسیار زیاد بوده است با سخنان وزیر رزیر اسرائیل مقایسه کنید. شبانه تقریباً لغت به لغت است. البته سبک این حملات کمالاتناخته شده است و اکثراً در رسانه‌های وابسته به کار گرفته می‌شوند. رسانه‌های وابسته که در غرب به امپراتوری بزرگی تبدیل شده‌اند، کارشان در لوی دموکراسی این است که منتقدان متعرض را بدنام، بی‌اعتبار و ناکارآمد جلوه داده، آنها را به انزوا کشیده و به این وسیله به فعالیت این افراد در مناسبات اجتماعی پایان ببخشند. خوشبختانه این امپراتوری بزرگ رسانه‌ای که با قدرتش رئیس‌جمهور می‌آورد و رئیس‌جمهور می‌برد، تنها قدرت با‌لنماع در جامعه بشری ما نیست، رسانه‌های مترقی هم حرفی برای گفتن و نوشتن دارند و قدرتی هم‌طراز با این امپراتوری به نمایش می‌گذارند تا بسا نینروگرفتن از آنها، روشنفکرانی چون «گراس» این شجاعت را پیداکنند برای اینکه صدای اعتراض خودشان را به گوش مردم جهان برسانند و با روشنگری به تعارضات وی‌بی‌عدالتی‌های موجود در سیاست جهانی اشاره کنند تا از مردم در مقابل تهاجم سیاست‌های مخرب و اشغالگر، دفاع لازم به عمل آید.

نافرمانی گونتر گراس در مقابل امپراتوری رسانه‌ای غرب که با‌زتاب جهانی پیدا کرده است قابل ستایش است. او نشان داد که روشنفکران شجاع هنوز زنداند و تا وقتی که زنداند نیرویی وجود خواهد داشت که نازلپیرلال‌ها شیدا از آن می‌ترسند. در این ارتباط قفل می‌توانم بگویم: زنده باشی گونتر!

یادمان

دیدار شاگردان و معلمان پس از دودعه

■ از دهه ۶۰ تا امروز: تعدادی از مدیران، معلمان و دانش‌آموزان «مدرسه راهنمایی اندیشه شاهد» منطقه ۱۶ تهران دیروز بعد از بیش از دو دهه دور هم جمع شدند. معلمان دیروز فرزندان شهدا، از برکات آن روزها در زندگی امروزشان گفتند. از مهدی کرمی، سید مرتضی هژیر گرفته تا سیدفرید بنی‌عقیل، اشک‌ها و خوشحالی‌ها را می‌شد در مرور خاطرات دید. سیدفرید بنی‌عقیل، مدیر دهه ۶۰ مدرسه اندیشه شاهد و معاون اجرایی چندنی‌پیش‌سازمان آموزش‌وپروش شهر تهران می‌گوید: «جمعه اول اردیبهشت هر سال می‌خواهیم فرزندان شهدا و دانش‌آموزان مدرسه و معلمان را با یاد آن روزها جمع کنیم.» مدرسه همان مدرسه است. نمازخانه دو دهه پیش هیچ تغییری نکرده است. موه‌ها اما سپید شده و گرد گذر ایام بر چهره‌ها نشسته است. دانه‌های این تسبیح را اما، نخ خاطرات با هم وصل کرده بود. ما کجاییم؟ دو دهه پیش کجا بودیم؟ دانش‌آموزان بزرگ شده‌اند.



هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



مرگ مولف

۶۰بهیار پس از ملک‌الشعراى بهار

شاعری که شعرش زنده نماند



محمدهاشم اکبرایانی

سیاسی ایران دارد. همزمان تلاش او برای تشکیل انجمن‌ها و جلسات ادبی نیز که با حضور بزرگان ادبیات برگزار می‌شد، او را در میان اهل ادبیات به نامی آشنا تبدیل کرد.

بسا این همه و با آنکه بهار در زمان خود با سربودن شعرهای سیاسی و همچنین حمایت محدود از برخی جریان‌ات نوگرای شعری، جایی در میان شعر و شاعران باز کرد اما شعرش ماندگار نشد. او شاعر بزرگی نیست که شعرش تأثیر چندانی در ادبیات داشته باشد و خواندنش برای مخاطبان و شاعران لذتبخش باشد و درس‌هایی برای گفتن آرایه کند. سیاست‌زدگی در شعر چنین شاعرانی نه‌تنها امری پسندیده و قابل دفاع نیست که متأسفانه آفتی

است که در جریان مشروطیت دامن بسیاری از شاعران چون میرزاده عشقی را هم گرفت. ملک‌الشعراى با وارد کردن سیاست به شعر خود شعرش را از عشق و شاعرانگی دور کرد. شعر او محدود به آرمان‌ها و موضوعاتی شد که مختص زمان و دوره‌ای خاص بود و همین امر باعث شد با طی شدن آن دوران و آرمان‌ها و تقاضاهای سیاسی‌اش، شعر ملک‌اشعرون پیوستند و به‌عبارتی



وجه سیاسی زندگی آنها بر وجه ادبی‌شان برتری گرفت. در این‌باره زندگی بهار خواندنی است. پدرش میرزا محمدکاظم صبوری نام داشت که ملقب به ملک‌الشعرا بود. پس از مرگش این لقب به دست‌سور مظفرالدین‌شاه به‌فرزندش محمدتقی که فقط ۱۸ساله بود اما از هفت سالگی در کنار پدر به سربودن شعر می‌پرداخت، رسید. در واقع لقب ملک‌الشعرا، لقبی بود که مظفرالدین‌شاه به بهار داد. در عین حال با گسترش فعالیت آزادی‌خواهان او نیز که در ابتدا در مشهد ساکن بود به صف آنها پیوست. در اینجاست که جایگاه او به عنوان شاعری روزنامه‌نگار و سیاسی یا به عبارتی روزنامه‌نگار و سیاستمداری شاعر برجسته می‌شود. او با نوشتن شعرهای وطن‌پرستانه و آزادی‌خواهانه و نیز فعالیت‌های روزنامه‌نگاری جایگاه مستحکم و تثبیت‌شده‌ای برای خود رقم زد. در عرصه سیاست او تا نمایندگی مجلس و وزارت پیش رفت و همه اینها او را تبدیل به چهره شناخته‌شده‌ای کرد.

برخی آثار او مانند تاریخ احزاب سیاسی ایران» نیز اهمیت زیادی نه در عرصه ادبیات که در حوزه تاریخ